

دربرا بر جباریت

بیست درس از قرن بیستم

تیموتی اسنایدر
ترجمه هوشنگ جیرانی
باؤخه‌ها از محمد تقی قزلسفلی

این کتاب ترجمه‌ای است از

On Tyranny

Twenty Lessons from the Twentieth Century

Bodley Head, 2017

تهران، زمستان ۱۳۹۶

در برابر جباریت

بیست درس از قرن بیستم

تیموتی اسنایدر

ترجمه هوشنگ جیرانی

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۶

۱۲۰۰۰ تومان



انتشارات امیدصبا

تهران، میدان هفت تیر، خیابان کریم خان زند، شماره ۲۷

کد پستی: ۱۵۱۴۷۵۸۹۱۶

تلفن: ۸۸۸۳۳۷۱۱

همه حقوق محفوظ است، و نشر این اثر انحصاراً برای ناشر محفوظ است

- سرشناسه : اسنایدر، تیموتی - م
snyder, timothy
- عنوان و نام پدیدآور : در برابر جباریت - بیست درس از قرن بیستم/ تیموتی اسنایدر؛ ترجمه هوشنگ جیرانی؛ مؤخره: محمد تقی قرلسفلی.
- مشخصات نشر : تهران: انتشارات امیدصبا، ۱۳۹۶.
- مشخصات ظاهری : ۱۳۱ ص ۱۴ × ۲۱ س.م.
- فروست : مطالعات سیاسی؛ ۷.
- شابک : 978-600-6269-52-8
- وضعیت فهرست‌نویسی : فیا
- یادداشت : عنوان اصلی: عنوان اصلی؛
on tyranny: twenty lessons from the twentieth century [20th century]
- یادداشت : کتاب حاضر نخستین بار تحت عنوان «در برابر استبداد: بیست درس از قرن بیستم» با ترجمه بابک واحدی توسط نشر گمان در همین سال ف.ا. گرفته‌است.
- عنوان دیگر : در برابر استبداد: بیست درس قرن بیستم.
- موضوع : استبداد
- موضوع : Despotism
- موضوع : تاریخ جدید -- قرن ۲۰ م.
- موضوع : history modern--20th century
- موضوع : اخلاق و سیاست
- موضوع : political ethics
- شناسه افزوده : جیرانی، هوشنگ، ۱۳۵۱ - مترجم
- شناسه افزوده : قرلسفلی، محمدتقی، ۱۳۵۰ - مؤخره‌نویس
- رده‌بندی کنگره : ب ۱۳۹۶ ۵۵۲ الف/ ج۴۹۵
- رده‌بندی دیویی : ۳۲۱/۹
- شماره کتابشناسی ملی : ۴۹۰۹۶۶۰

فهرست

۹	پیشگفتار نویسنده
۱۵	۱. پیش از موعد اطاعت مکن
۱۹	۲. از نهادها دفاع کن
۲۳	۳. از نظام تک حزبی حذر کن
۲۷	۴. مسئولیت خود را در قبال جهان پذیرا باش
۳۱	۵. اخلاق حرفه‌ای را آویزه گوش کن
۳۵	۶. در قبال شبه نظامیان محتاط باش
۳۹	۷. در صورت انجام خدمت نظام وظیفه، باریک‌اندیش باش
۴۳	۸. استعانت کن
۴۹	۹. سبقت بفرمان مان مهربان باش
۵۳	۱۰. به حقیقت انسان داشته باش
۵۹	۱۱. تحقیر کن
۶۵	۱۲. با دیگران به برابری بهره شو و حرف بزن
۶۷	۱۳. سیاست عملی تجربه کن
۷۱	۱۴. زندگی خصوصی داشته باش
۷۵	۱۵. در امور خیر مشارکت کن
۷۹	۱۶. از هم‌تایان خود در دیگر کشورها آشنوز
۸۳	۱۷. نسبت به سخنان خطرناک هوشیار باش
۸۷	۱۸. در برابر امور غیرمترقبه آرامش خود را در دست مده
۹۳	۱۹. میهن پرست باش
۹۷	۲۰. تا جایی که می‌توانی دلیر باش
۱۰۵	مؤخره

پیشگفتار نویسنده

تاریخ جتاریت

تاریخ تک‌ارنم‌سویول سرمشقی برای همگان است. زمانی که پدران بنیانگذارمان درباره قانون اساسی آمریکا بحث و جدل می‌کردند، از تاریخی که به آن آشنایی داشتند، سرمشق‌هایی فراگرفته بودند. کسانی که نگران فروپاشی جمهوری دموکراتیکی بودند که پایه‌گذاری کرده بودند، درباره سیر تحول دموکراسی‌ها و جمهوری‌های باستان به رژیم‌های الیگارشیک و امپراتوری، به مطالعه پرداختند. براساس دریافت آنها، ارسطو هشدار داده بود که وجود نابرابری سیاسی ثابتی منجر می‌شود؛ حال آنکه افلاطون معتقد بود عوام‌فریبان از آزادی بیان بهره می‌گیرند. خود را به عنوان حاکم خودکامه، قالب کنند. پدران بنیانگذارمان در زمان پایه‌گذاری جمهوری دموکراتیک بر پایه قانون و استقرار نظام «نظارت و موازنه»، به دنبال جلوگیری از ظهور ریشه‌های فاسدی بودند که همانند فلاسفه عهد باستان، آن را جتاریت می‌خواندند. آنها معتقد بودند که قدرت توسط یک شخص یا گروه یا با مصادره کردن قانون از سوی حاکمان و در دسترس مافع‌شان غصب می‌شود. مهم‌ترین جدل سیاسی موفقیت‌آمیز در ایالات متحد در ارتباط با مسئله جتاریت در دل خود جامعه آمریکا رخ داده است که به عنوان نمونه بارزترین به مسئله بردگان و زنان اشاره کرد.

وقتی از قضایا این طور برمی‌آید که نظم سیاسی ما به مخاطره افتاده است، سنت اصلی غرب ایجاب می‌کند که به تاریخ رجوع کنیم. اگر امروزه نگرانیم که جتاریت، تجربه آمریکایی را مورد تهدید قرار داده است، می‌توانیم روش پدران بنیانگذارمان را دنبال

کنیم و تاریخ دموکراسی ها و جمهوری های دیگر را مورد مذاقه قرار دهیم. نکته مهم این است که در این زمینه می توانیم به نمونه های متأخر و مرتبط بیشتری رجوع کنیم تا آنچه در یونان و روم باستان رخ داده است. نکته ناگوار این است که تاریخ دموکراسی در عصر مدرن نیز شاهد افول و سقوط بوده است. از وقتی مستعمره های آمریکایی استقلال خود را از پادشاهی بریتانیا اعلام کردند که پدران بنیانگذار آن را «خودکامه» می پنداشتند، تاریخ اروپایی شاهد سه دوره سرنوشت ساز دموکراتیک بوده است: دوره پس از جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۸، دوره پس از جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۵ و دوره پس از سقوط کمونیسم در سال ۱۹۸۹. بسیاری از دموکراسی های پایه گذاری شده در این دوره ها، زهانی، شکست را در آغوش کشیدند، آن هم در شرایطی که در برخی جنبه های مهم به دموکراسی ما شباهت داشتند.

تاریخ می تواند روز به روز در عین حال هشدار دهنده باشد. در اواخر قرن نوزدهم، همانند اواخر قرن بیستم، گسترش تجارت جهانی به انتظارات برای پیشرفت دامن زد. در اوایل قرن بیستم، همانند اواخر قرن بیست و یکم، این امیدها با برداشت های تازه ای از سیاست توده ای به پیش کشیده شد که به واسطه آن، یک رهبر یا حزب مدعی بود مستقیماً، خواست و اراده مردم را نمایندگی می کند. دموکراسی های اروپایی در دهه های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ به دامان اقتدارگرایی، استگ ایانه و فاشیسم غلتیدند. اتحاد جماهیر شوروی کمونیستی که در سال ۱۹۲۲ بنیان گذاشته شد، مدل خود را در دهه ۱۹۴۰ به اروپا گسترش داد. تاریخ اروپا در قرن بیستم نشان می دهد جوامع می توانند درهم شکسته شوند؛ دموکراسی ها می توانند ساقط شوند؛ انسان های معمولی با سلاح هایی در دستشان می توانند بر فراز گودال های مرگ به نظامیان مسلح امروزه، این مسائل به درد ما می خورند تا درک کنیم چرا چنین اتفاقاتی رخ داد.

هم فاشیسم و هم کمونیسم واکنش هایی به جهانی سازی، نابرابری های واقعی و ملموس و ناتوانی آشکار دموکراسی ها برای حل و فصل آنها بودند.

فاشیست ها به نام اراده، عقل را تعطیل کردند و حقیقت عینی را به سود افسانه پرافتخاری کنار گذاشتند که از سوی رهبرانی ردیف شده بود که خود را صدای ملت می پنداشتند. آنها چهره ای از جهانی سازی ترسیم کردند که چالش های پیچیده اش

منجر به توطئه علیه ملت شده است. مرده‌ریگ فاشیست‌ها که برای یک یا دو دهه حاکم بود، روشنفکری دست‌نخورده‌ای بود که روز به روز رشد و نمو بیشتری پیدا کرد. کمونیست‌ها مدت زمان طولانی‌تری به حیات خود ادامه دادند؛ نزدیک به هفت دهه در اتحاد جماهیر شوروی و بیش از چهار دهه در بیشتر کشورهای اروپای شرقی. آنها واضح نظامی مبتنی بر یک الیت حزبی ساختارمند با حق و حقوق انحصاری بودند، با این استدلال که جامعه را به سوی آینده‌ای مشخص بر پایه قواعد ثابت تاریخ هدایت می‌کنند.

شاید این فکر به ذهن ما خطور کند که میراث دموکراتیک‌مان به طور خودکار از ما در برابر چنین تهدیدهایی محافظت می‌کند. اما این سوءبرداشتی بیش نیست. توصیه سنت ما این است که با واکاوی در دل تاریخ، دهلیزهای عمیق جبرایت را بیابیم و واکنش‌های مناسب به زمان‌مان دهیم. ما خردمندتر از اروپاییانی نیستیم که شاهد افتادن دموکراسی در آغوش فاشیسم، نازیسم یا کمونیسم در قرن بیستم بودند. یکی از فرصت‌هایی که ما داریم این است که شاید بتوانیم از تجربه آنها بیاموزیم. اکنون زمان خوبی برای این درس‌آموزی است.

این کتاب حاوی بیست درس از قرن بیستم است که با حال و هوای امروز تطبیق داده شده‌اند.